

تحلیل مقدار و نحوه اثرگذاری خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی - مورد مطالعه کشورهای عضو گروه جی-هشت، ۲۰۱۰-۱۹۹۸

شهرام آراین مهر^{۱*} ابوالفضل یحیی‌آبادی^۲ امیر هرتمنی^۳ مجتبی شفتت^۴

چکیده

سیاست واگذاری فعالیت‌های اقتصادی دولت به بخش خصوصی و محدود کردن حوزه فعالیت دولت و بخش دولتی در دهه‌های اخیر در جهان رواج بی‌سابقه‌ای یافته است و امروزه کم و بیش در کلیه کشورهای جهان، چه پیشرفته و چه در حال توسعه، در ابعاد گسترده به مرحله اجرا در آمده است. این سیاست، که تحت عنوان سیاست خصوصی‌سازی شناخته می‌شود، توانسته است همواره اثرات مهم و معناداری بر فعالیت‌ها، عملکرد مؤسسات، کارایی مؤسسات، متغیرهای اقتصادی و ... داشته باشد. در مطالعه‌ی حاضر تلاش بر این خواهد بود به بررسی یکی از مهمترین اثرات اقتصاد کلان خصوصی‌سازی، به‌همراه چند متغیر اقتصاد کلان دیگر، آنهم بر رشد اقتصادی کشورهای عضو گروه جی-هشت و برای دوره زمانی ۱۹۹۸-۲۰۱۰ پرداخته شود و این فرضیه مورد آزمون قرار گیرد که آیا خصوصی‌سازی توانسته است باعث اثرگذاری مثبتی بر رشد اقتصادی این کشورها در طی دوره مورد مطالعه شود یا خیر. نتایج این مطالعه که با استفاده از داده‌های تابلویی و استفاده از روش پانل پویای گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) صورت پذیرفته، حاکی از تأیید فرضیه اصلی این پژوهش بوده و نشان می‌دهد که خصوصی‌سازی دارای اثرگذاری مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی کشورهای عضو گروه جی-هشت و برای دوره زمانی مزبور بوده است.

واژه‌های کلیدی: خصوصی‌سازی، رشد اقتصادی، گروه جی-هشت، روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM).

طبقه‌بندی: C33 O52 O40

۱- مقدمه

۱- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خمینی‌شهر، باشگاه پژوهشگران

جوان و نخبگان، خمینی‌شهر. * نویسنده مسئول: Sh.arianmehr@yahoo.com

۲- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی‌شهر

yahyaabadi@iaukhsh.ac.ir

۳- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

hortamani@yahoo.com

۴- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

Mj_shafaghai@yahoo.com

برای رسیدن به رشد و توسعه عوامل بسیاری را می توان مؤثر دانست. برای یک برنامه ریزی منسجم و کامل درباره رشد هر کشور لازم است که به تمام عوامل مذکور توجه شود تا بتوان حرکت در مسیر رشدی بلندمدت و متعادل را تضمین نمود. راهکارهای متفاوتی برای رسیدن به رشد اقتصادی وجود دارد که برای انتخاب یکی از آن ها به عنوان استراتژی توسعه، باید برای هر کدام از آن ها، توانایی ها، ضعف ها و زمینه های مورد نیاز و نیز قابلیت های اقتصادی هر کشور در اجرای آن سیاست به خوبی بررسی شود تا سیاستی اتخاذ شود که بیشترین هماهنگی را با شرایط جامعه داشته باشد [رزمی و همکاران، ۱۳۹۰، صص ۱۶۲-۱۳۷]. یکی از این سیاست ها، برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی در کشورها، اجرای برنامه های خصوصی سازی شرکت های دولتی توسط مسئولین و دولتمردان می باشد. خصوصی سازی شرکت های دولتی نه تنها وسیله ای برای تغییر ساختار اقتصاد، نقش بیشتر واحدهای خصوصی و افزایش رقابت است، بلکه زیربنای ضروری برای توسعه و رشد اقتصادی به شمار می رود [رضوی، ۱۳۸۳، صص ۲۲-۵].

امروزه کمتر کشوری را در جهان می توان یافت که در حال اجرای برنامه های خصوصی سازی نباشد و به جرأت می توان گفت که خصوصی سازی یکی از مهمترین مؤلفه های اقتصادی قرن بیست و یکم است [رضایی دولت آبادی و همکاران، ۱۳۹۰، صص ۱۱۲-۹۷]. بعبارت دیگر، خصوصی سازی ابزاری برای توسعه است. توجه و تعمق در الگوی موفق توسعه برخی کشورهای در حال توسعه، با تکیه بر نیروهای بخش خصوصی، مؤید این موضوع و مبین ارجحیت این الگو در مقام مقایسه با سایر الگوهاست. به گونه ای که خصوصی سازی، به عنوان یکی از عوامل برقراری مکانیزم بازار در اقتصادهای ملی و رهاسازی پتانسیل بخش خصوصی برای رشد، از مهم ترین عوامل توانمندی این کشورها محسوب می شود. بعبارتی، این که بسیاری از کشورها با انجام برنامه های خصوصی سازی به مرحله توسعه یافتگی دست یافته اند نیز مصداقی بر این مدعاست. از این رو است که انگاره خصوصی سازی هدفمند و هوشمند، برای رشد و توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه یک ضرورت اجتناب ناپذیر است که باید محور راهبردها و سرلوحه طرح ها و برنامه های اقتصادی و توسعه ای قرار گیرد.

در تحقیق حاضر تلاش بر این است با استفاده از روش پانل پویا با برآورد GMM^۱، و کنترل عوامل تعیین کننده رشد لوین و رنلت (۱۹۹۲) به بررسی اثر خصوصی سازی و چند متغیر دیگر کلان اقتصادی بر رشد اقتصادی در کشورهای عضو گروه جی-هشت که شامل کشورهای آلمان، ایالات متحده امریکا، ایتالیا، بریتانیا، روسیه، ژاپن، فرانسه و کانادا (که همگی توسعه یافته هستند) می باشند، در دوره ی زمانی

۲۰۱۰-۱۹۹۸ پرداخته شود و این فرضیه مورد آزمون قرار گیرد که: خصوصی‌سازی اثر مثبت بر رشد اقتصادی در کشورهای مذکور دارد.

گزینش متغیرهای مناسب، به‌مراه ارائه مدل و روش تحقیق محور بخش دوم این مطالعه می‌باشد. برآورد الگو و تجزیه و تحلیل نتایج محور بخش سوم مقاله را تشکیل می‌دهد و سرانجام با نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات در بخش چهارم مقاله به پایان می‌رسد. لازم به ذکر است که تاکنون هیچ یک از محققان داخلی از روش پانل پویا در تحقیقات خود برای بررسی فرضیه مطرح شده با شاخص‌های مورد نظر در این تحقیق استفاده نکرده‌اند و فقط تعداد محدودی از پژوهشگران خارجی از این روش اقتصادسنجی در بررسی‌های خود بهره برده‌اند.

۱-۱ مبانی نظری و پیشینه تحقیق:

۱-۱-۱ مبانی نظری:

همان‌طور که اشاره شد، خصوصی‌سازی به منزله یک تغییر ساختاری اساسی از مالکیت است، که از بخش عمومی به بخش خصوصی منتقل شده، و منجر به یک تغییر شدید در مشوق‌ها و انگیزه‌های اساسی از صاحبان مربوطه و اهداف بنگاه‌ها می‌شود [بویکری و همکاران، ۲۰۰۹، صص ۴۴-۱۶]. تأثیر بالقوه این تغییر مالکیت بر رشد اقتصادی در نظریه‌های اقتصادی استفاده شده برای توجیه این اصلاحات، یعنی نظریه‌های حقوق مالکیت^۱ و اقتصاد خرد در مورد حق مالکیت، نظریه عامل اصلی^۲ (جنسین و مک‌لینگ^۳، ۱۹۷۶ و آلچیان^۴، ۱۹۶۵) و نظریه انتخاب عمومی^۵ ریشه دارد.

نخست، موضوع مالکیت در تعیین حقوق مالکیت و مشوق‌های افراد برای استفاده بهتر و حفظ منابع اختصاص داده شده‌ی آن‌ها مهم است. از آنجا که شهروندان ادعای هیچ مطالباتی و مالکیتی بر دارایی‌های عمومی ندارند، و به این ترتیب هیچ انگیزه‌ای برای نظارت بر عملکرد مدیران بنگاه‌های تازه خصوصی‌سازی شده ندارند، احتمال این که شرکت‌های عمومی به گونه‌ای ناکارآمد عمل نمایند، زیاد خواهد بود (آدامز^۶، ۲۰۰۶).

بعبارت دیگر، سیاست خصوصی‌سازی را می‌توان با استفاده از مباحث مربوط به مالکیت خصوصی و تخصیص منابع از طریق بازار در اقتصاد خرد نیز توجیه کرد. بطوریکه، اول، طبق نظریه‌ی نئوکلاسیکی، مالکیت عمومی منجر به اتلاف و نابودی منابع می‌شود. دوم، با توجه به سهولت نقل و انتقال اطلاعات در

1- Property Rights theory

2- Principal Agent theory

3- Jensen and Meckling,

5- Alchian

5- Public Choice theory

6- Adams

بخش خصوصی، تصمیم‌گیری در بخش خصوصی کارآتر انجام می‌گیرد (هایک^۱، ۱۹۴۹). [مشیری، ۱۳۸۹، صص ۱۵۸-۱۴۱]

برخی نیز اهمیت نوع مالکیت در کارآیی را مورد سؤال قرار داده‌اند. به عنوان نمونه، روثن و چنگک^۲ (۱۹۹۳)، استحکام نظریه‌های خرد در توجیه خصوصی سازی را زیر سؤال برده و بر اهمیت اقتصاد سیاسی تأکید می‌کنند. آن‌ها معتقدند که دولت‌هایی که بتوانند خودشان را از فشار رقابتی ناشی از رقابت بین بنگاه‌های خصوصی و عمومی (و یا تنها بین بنگاه‌های خصوصی) دور نگه دارند، ممکن است بتوانند محیط رقابتی‌ای ایجاد کنند که در آن هر دو نوع مالکیت (خصوصی و دولتی) نتایجی توأم با کارآیی داشته باشند. ویلنر^۳ (۲۰۰۳) نیز، جریان بین‌المللی‌ای که برای محدود کردن مالکیت عمومی ایجاد شده است را از بعد نظری و تجربی به چالش می‌کشد. وی در مطالعاتش به این نتیجه می‌رسد که کارآیی هزینه در بنگاه‌های دولتی نه بهتر و نه بدتر از شرکت‌های خصوصی است. علاوه بر این وی با استناد به مباحث سازماندهی صنعتی ادعا می‌کند که وجود رقابت نیز منجر به موفقیت خصوصی سازی نمی‌شود. [مشیری، ۱۳۸۹، صص ۱۵۸-۱۴۱]

از سویی دیگر، منتقدان خصوصی سازی معتقدند که دلایل سنتی‌ای که به نفع مالکیت عمومی وجود دارند، یعنی آثار خارجی، انحصار طبیعی و نبود سرمایه خصوصی، همچنان از اهمیت برخوردارند و بنابراین نباید آن‌ها را به سادگی کنار گذاشت.

دیدگاه سیاسی خصوصی سازی، موسوم به نظریه انتخاب عمومی، استدلال می‌کند که بنگاه‌های دولتی ناکارآمد هستند. زیرا آن‌ها به عنوان ابزاری سیاسی برای بدست آوردن منافع سیاسی استفاده می‌شوند. عبارت دیگر، مدیران دولتی با تحمیل اهداف سیاسی به شرکت‌ها (مانند به حداکثر رساندن اشتغال برای اطمینان از آرای شهروندان)، در راستای دستیابی به اهداف سودآوری برای سیاستمداران و بوروکرات‌ها بوده و از این رو با عدم توجه به کارآیی بنگاه‌ها، این امر به ناکارآمدی بنگاه‌های دولتی می‌انجامد. فقط یک تغییر در مدیریت شرکت و قطع روابط بین شرکت‌ها و نفوذ سیاسی، نتیجتاً منجر به عملکرد بهتر و بهره‌وری شرکت‌ها می‌شود.

دیدگاه مدیریتی خصوصی سازی مبنی بر استدلال نظریه نمایندگی^۴ در مورد مشوق‌ها و طرح‌های انگیزشی مدیران است. تغییر مالکیت، از عمومی به خصوصی، می‌تواند به بهبود عملکرد بنگاه، با القای یک تغییر در اداره امور شرکت‌ها و مکانیسم‌های که از طریق آن ترتیبات نهادی متفاوت، مشوق‌هایی

1- Hayek

2- Rowthorn and Chang.

3- Willner

4-Agency Theory

برای مدیریت شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهند، سهمی باشد (کوک و یوچیدا^۱، ۲۰۰۳؛ لافونت و تیروول^۲، ۱۹۹۱). هنگامی که کنترل از دولت به بخش خصوصی واگذار شود، هر دوی مکانیسم‌های داخلی و خارجی شرکت‌های بزرگ به مقابله با خطرات اخلاقی و مشکلات انتخاب‌جانبی که آفت شرکت‌های تازه خصوصی‌سازی شده می‌باشد، کمک خواهد کرد.

بطور کلی و براساس فرضیه مورد استفاده در برخی مطالعات انجام شده، خصوصی‌سازی با توجه به دو استدلال اساسی زیر می‌تواند رشد اقتصادی را متأثر نماید [بویکری و همکاران، ۲۰۰۹، صص ۴۴-۱۶]. اولاً از طریق کانالی غیرمستقیم و از جنبه‌ی اقتصاد خرد، و از طریق تأثیر بر روی کارایی، بهره‌وری و اداره‌ی بنگاه می‌تواند بر رشد اقتصادی مؤثر باشد. بعنوان مثال ساختار مالکیت متمرکزتر و نظارت بهتر از سوی مدیران در بخش خصوصی، منجر به بهبود قابل ملاحظه در بهره‌وری بنگاه شده و نقش قابل توجهی در رشد اقتصادی ایفا می‌کند. ثانیاً خصوصی‌سازی می‌تواند از طریق یک کانال مستقیم و تأثیر بر متغیرهای کلان اقتصادی، از جمله سرمایه‌گذاری دولتی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، که بعنوان نهاده‌هایی برای رشد اقتصادی شناخته می‌شوند، بر رشد اقتصادی تأثیر بگذارد. برای مثال درآمدهای اضافی ناشی از خصوصی‌سازی که نصیب دولت می‌شود (و می‌تواند ناشی از کاهش یارانه‌ها باشد)، می‌تواند باعث افزایش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، کاهش کسری بودجه و... شود. از طرف دیگر با دادن مجوز به سرمایه‌گذاران خارجی جهت مشارکت در فرایند خصوصی‌سازی، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور افزایش می‌یابد که به احتمال زیاد منجر به بهبود بهره‌وری، رقابت بیشتر، سرمایه بیشتر، انتقال فناوری و در نتیجه به رشد اقتصادی بالاتر منجر می‌شود.

همه‌ی این دیدگاه‌های اقتصاد خرد از خصوصی‌سازی نشان می‌دهد که انتظار بهبود عملکرد، کارایی و سودآوری شرکت‌های تازه خصوصی شده که در مجموعه‌های اقتصاد کلان و در نهایت در تقویت رشد اقتصادی منعکس شده، وجود دارد. این مرور خلاصه بر ابعاد نظری خصوصی‌سازی و ارتباط آن با کارایی و رشد اقتصادی، نشان می‌دهد که نمی‌توان به یک جمع‌بندی سازگار در این مورد دست یافت.

۱-۱-۲ پیشینه تحقیق:

زرین‌قلم (۱۳۸۴)، در مطالعه‌ای به ارزیابی پیامدهای کلان اقتصادی خصوصی‌سازی در قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳-۱۳۷۹) با استفاده از روش OLS^۳ پرداخته است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد اگرچه بطور کلی براساس مقادیر اندازه‌گیری شده برای

1- Cook and Uchida

2- Laffont and Tirole

3- Ordinary Least Squares

شاخص‌های اندازه دولت در اقتصاد و عملکرد شرکت‌های دولتی، سهم دولت در اقتصاد افزایش یافته، اما خصوصی سازی تأثیرات مثبتی بر رشد تولید ناخالص داخلی داشته است. [زرین قلم، ۱۳۸۴]

مشیری (۱۳۸۹)، در مطالعه‌ای به بررسی اثر خصوصی سازی بر رشد اقتصادی، با استفاده از یک مدل رشد درونزای تجربی و با به کارگیری از داده های ۱۱۷ کشور در حال گذار و در حال توسعه برای دوره‌ی (۲۰۰۳-۱۹۹۸)، در سه حالت کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت پرداخته است. نتایج برآوردها با روش OLS و 2SLS^۱ نشان می‌دهد که اثر خصوصی سازی بر رشد اقتصادی خنثی است. همچنین نتایج نشان می‌دهند که سازگاری و تداوم اجرای سیاست خصوصی سازی، وجود محیط رقابتی و شفافیت در سیاستگذاری‌ها، تأثیری مهمتر از خصوصی سازی بر رشد اقتصادی دارند. [مشیری، ۱۳۸۹]

فیلیپوویچ^۲ (۲۰۰۵)، در مطالعه‌ای تحت عنوان "تأثیر خصوصی سازی بر رشد اقتصادی"، به بررسی این موضوع با استفاده از تحلیل رگرسیون رشد بین کشوری و با در نظر گرفتن اثرات متقابل متغیرهای رقابت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بدهی‌های ملی، و حقوق مالکیت بر متغیر خصوصی سازی با استفاده از نمونه‌ای از ۹۲ کشور در حال توسعه در طول دوره ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۹ با استفاده از روش OLS می‌پردازد. نویسنده حجم خصوصی سازی را تحت عنوان کل درآمد حاصل از خصوصی سازی در طی دوره ۱۹۹۹-۱۹۹۰ و به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۰ اندازه‌گیری می‌کند. او درمی‌یابد که خصوصی سازی بطور منفی، اگر چه بطور ناچیزی، با رشد در ارتباط است. [فیلیپوویچ، ۲۰۰۵]

آدامز^۳ (۲۰۰۶)، در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر خصوصی سازی بر رشد اقتصادی و نابرابری درآمد در کشورهای جنوب صحرای آفریقا بین سال‌های ۲۰۰۱-۱۹۹۰ پرداخته است. یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد که خصوصی سازی به رشد کمکی نمی‌کند، بلکه نابرابری درآمد را کاهش داده. نیز تورم بطور منفی هر دوی رشد اقتصادی و برابری درآمد را تحت تأثیر قرار داده و وجود زیرساخت‌های حکومتی رشد اقتصادی را در طول دوره مورد مطالعه افزایش می‌دهد. نتایج گزارش شده، منجر به رد این فرضیه که خصوصی سازی افزایش رشد اقتصادی در کشورهای جنوب صحرای آفریقا بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۱ را در پی داشته، می‌شود. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که وجود بازاری در حمایت از مؤسسات، به جای خصوصی سازی، می‌تواند تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر اقتصاد داشته باشد. [آدامز، ۲۰۰۶، صص ۳۲۰-۲۹۵]

1- Two Stage Least Squares

2- Filipovic

3- Adams

سیلوم و راجان^۱ (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر خصوصی‌سازی در مورد مسائل مختلف اقتصادی در کشورهای کمتر توسعه یافته (LDC ها) با اشاره به اتیوپی می‌پردازند. این مقاله با استفاده از داده‌های بیش از ۱۰ سال، از ۱۹۹۵-۱۹۹۴ تا ۲۰۰۴-۲۰۰۳ و با بکار بستن تجزیه و تحلیل همبستگی و رگرسیونی برای یافتن تأثیر برنامه خصوصی‌سازی اتیوپی بر رشد اقتصادی استفاده می‌کند. شش موضوع اقتصادی اصلی انتخاب شده برای این مطالعه عبارت بودند از: رشد تولید ناخالص داخلی، کسری بودجه، بدهی خارجی، درجه باز بودن، کسری بودجه جاری و تجاری و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی. نتایج تجربی نشان می‌دهد که اثر خصوصی‌سازی بر روی این متغیرهای اقتصادی به طور کلی شکننده و ضعیف است و بیانگر تأثیر ناچیز و بی‌معنی خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی کشور است. این مطالعه پیشنهاد می‌کند که بینش جدید و تازه از خصوصی‌سازی بر حسب اندازه و سرعت آن، همراه با اصلاحات اقتصادی کامل، برای اجرای خصوصی‌سازی مؤثر و با نفوذ، با توجه به مسائل اقتصادی کشور، مورد نیاز است. [سیلوم و راجان، ۲۰۰۸]

آبدو و مشیری (۲۰۰۹)، در مطالعه‌ای تحت عنوان "خصوصی‌سازی و تشکیل سرمایه در کشورهای در حال توسعه: یک تحلیل تجربی"، به بررسی این موضوع برای ۱۰۵ کشور در حال توسعه و برای دوره زمانی ۲۰۰۳-۱۹۸۸، با استفاده از روش OLS و 2SLS در سه چارچوب زمانی پرداختند. یافته‌های آن‌ها بیانگر این است که تأثیر خصوصی‌سازی بر تشکیل سرمایه در میان نواحی و چارچوب‌های زمانی متفاوت است. بطور کلی خصوصی‌سازی نسبت به سرمایه‌گذاری بی اثر است. [آبدو و مشیری، ۲۰۰۹، صص ۵۷۵-۵۵۷]

مدنی و بکمدادویچ (۲۰۱۲)، در مطالعه‌ای با استفاده از روش OLS به بررسی تأثیر خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی و تورم در ایران، برای دوره زمانی ۲۰۰۹-۱۹۶۰ پرداختند. نتایج برآورد حاکی از آن است که ارتباط معنی‌داری بین خصوصی‌سازی و رشد اقتصادی برای ایران وجود ندارد. همچنین خصوصی‌سازی دارای اثری منفی بر تورم در اقتصاد ایران در طول دوره مورد مطالعه بوده است. [مدنی و بکمدادویچ، ۲۰۱۲، صص ۳۶۶۳-۳۶۶۰]

۲- روش تحقیق:

۲-۱ گروه‌جی-هشت:

سران کشورهای هشت کشور صنعتی فرانسه، آلمان، انگلیس، ایتالیا، ژاپن، آمریکا، روسیه و کانادا، که ۶۵ درصد اقتصاد جهان را در دست دارند، اعضای این گروه را تشکیل می‌دهند و هر ساله یک

گردهمایی مشترک با هم دارند. گروه هشت در اواسط دهه ۷۰ و در تلاش برای مهار بحران نفتی و از هم پاشی سیستم تبادل ارز بر تون وودز که اقتصاد جهانی را بحرانی کرده بود، و در پاسخ به این موضوع که چگونه می توان بر این مشکلات غلبه کرد، به وجود آمد. در واقع رئیس جمهور وقت فرانسه، والرئ ژیسکار دیستن، و صدر اعظم وقت آلمان، هلموت اشمیت، غلبه بر بحران را در راه کاری بین المللی دیدند و این ایده را پی گرفتند و بر این اساس اولین کنفرانس اقتصاد جهانی سال ۱۹۷۵ در قصر رامبولیه در پاریس برپا شد. شرکت کنندگان در اولین اجلاس، سران کشورهای فرانسه، آلمان، بریتانیا، ایتالیا، ژاپن و آمریکا بودند و از این رو این گروه در بدو تشکیل G-6 نام گرفت. پس از آن چنین دیدارهایی سالانه تکرار شدند و هر سال یکی از اعضای این گروه میزبانی اجلاس را که همیشه در ماه مه یا ژوئن، برگزار می شدند، بر عهده گرفت. هدف از این نشست ها در آغاز شور و مشورت درباره مسائل روز راهبردهای اقتصادی جهان در میان جمعی کوچک بود. در سال ۱۹۷۶ با پیوستن کانادا به جمع کشورهای عضو، این گروه به گروه هفت (G7) تبدیل شد و پس از آن در پایان جنگ سرد در سال ۱۹۸۹ روسیه خواستار پیوستن به این گروه شد.

علت انتخاب این گروه از کشورها در مطالعه حاضر، با عنایت به اینکه کشورهای مزبور ۶۵ درصد اقتصاد دنیا را در دست دارند و اینکه این کشورها نمونه های از اقتصادهای قدرتمند و با استانداردهای اقتصادی قابل قبول بشمار می آیند این مورد می باشد که این مطالعه یقیناً مطالعه ای سودمند برای چگونگی تأثیرگذاری و عملکرد خصوصی سازی بر رشد اقتصادی که نتایج آن قابل تعمیم و الگوبرداری به اقتصادهای در حال گذار و در حال توسعه بشمار می رود، می باشد.

۲-۲-۲-۲ گزینش متغیرهای مناسب:

لویین و رِنلت^۱ (۱۹۹۲) متغیرهایی را که تأثیرشان بر رشد اقتصادی توسط تعداد زیادی از محققان به اثبات رسیده است با Z و متغیرهایی که معمولاً در بیشتر رگرسیون ها مورد استفاده قرار می گیرند با I و شاخص های متفاوتی را که بتوانند معیار قابل قبولی برای توصیف نرخ بهره باشند، با عنوان M در نظر گرفتند. به عقیده ایشان بیش از ۵۰ متغیر یافت شده اند که به طور معنی داری، در حداقل یک رگرسیون، در ارتباط با رشد هستند. آن ها از روش داده های مقطعی بین کشورها استفاده کردند که در این رگرسیون ها، متغیرهای توضیحی مستقل و خطی وارد می شود. معادله رگرسیونی مورد استفاده آن ها در حالت کلی به صورت زیر می باشد:

$$Y_t = \beta_i I + \beta_m M + \beta_z Z_0 + u \quad (1)$$

Y نشان‌دهنده رشد تولید ناخالص داخلی سرانه است. [لوین و نلت، ۱۹۹۲، صص ۹۶۳-۹۴۲] رشد اقتصادی: براساس روش مورد استفاده در مطالعات قبلی، رشد اقتصادی با لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه اندازه گرفته می‌شود (بارو^۱)، ۱۹۹۱). این ارقام در قیمت‌های ثابت ۲۰۰۰ و تبدیل شده به دلار آمریکا با استفاده از نرخ ارز رایج در بازار ارز بین‌المللی اندازه گرفته می‌شود.

خصوصی‌سازی: برای انجام تجزیه و تحلیل تجربی، کل درآمدهای حاصل از خصوصی‌سازی به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی، به عنوان یک نماینده و جایگزین برای حجم خرید و فروش خصوصی‌سازی بکار برده می‌شود. کوک و یوچیدا (۲۰۰۳) و بارنت^۲ (۲۰۰۰) استدلال می‌کنند که این متغیر یک مقیاس خوب از حجم و میزان خصوصی‌سازی بوده و یک مقیاس مناسب از تغییر مالکیت عمومی به مالکیت خصوصی را فراهم می‌کند. علاوه بر این، این متغیر سطحی از تعهدات سیاسی را بسوی سیاست‌های اقتصادی بهتر سوق می‌دهد (بارنت، ۲۰۰۰، دیویس و همکاران^۳، ۲۰۰۰).

مخارج دولت: ادبیات رشد اقتصادی حاکی از آن است که میزانی از مخارج دولت بعنوان یک جایگزین مناسب بعنوان دخالت دولت در اقتصاد بوده و دارای اثراتی مؤثر بر رشد اقتصادی می‌باشد (یوچیدا و کوک، ۲۰۰۳؛ فیلیوویچ، ۲۰۰۵). در این مطالعه برای سطح مصرف دولت، از نسبت مخارج عمومی دولت به تولید ناخالص داخلی استفاده می‌گردد.

نسبت پس‌انداز: در ادبیات رشد اقتصادی به خوبی پذیرفته شده است که نسبت پس‌انداز یک تعیین‌کننده اصلی رشد اقتصادی است (سولو، ۱۹۵۶؛ کوپمانس^۴، ۱۹۶۵؛ و غیره). نرخ‌های پس‌انداز بالاتر بر تراکم سرمایه بالاتر اشاره می‌کنند که یک منبع اصلی رشد اقتصادی می‌باشد. نسبت پس‌انداز در این مطالعه با نسبت پس‌انداز ناخالص داخلی به تولید ناخالص داخلی اندازه‌گیری می‌شود. انتظار می‌رود این ضریب مثبت باشد.

تورم: تئوری‌های اقتصادی حاکی از آن است که تورم به عنوان جایگزینی برای ثبات اقتصاد کلان، فضای سرمایه‌گذاری، و وضعیت بازار اعتباری بکار می‌رود (فیشر، ۱۹۹۳؛ برونو و ایسترلی، ۱۹۹۸). ما برای تورم استفاده از نرخ تورم سالانه (INF) را بررسی می‌کنیم و انتظار می‌رود ضریب INF منفی باشد. آزادسازی تجارت (درجه باز بودن): در ادبیات رشد اقتصادی، آزادسازی تجارت بین‌المللی به عنوان شاخص مهمی از رشد اقتصادی شناخته شده است (هریسون^۵، ۱۹۹۶، ساکس و وارنر^۶، ۱۹۹۷). در واقع، استدلال شده است که باز بودن تجارت بین‌المللی رشد صادرات را تحریک می‌کند، و واردات نهاده‌ها

1- Barro

2- Barnett

3- Davis et al.

4- Koopman

5- Harrison, A

6- Sachs, J.D. & Warner, A.M

و ماشین آلات را افزایش می دهد، در نتیجه شتاب توسعه فن آوری در اقتصاد و از این رو ترویج رشد اقتصادی را موجب می شود. جایگزین ما برای متغیر آزاد سازی تجارت، نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی است OPEN است.

۲-۳ ارائه مدل:

الگوی مد نظر در این مطالعه، شامل متغیرهای استاندارد است که در ادبیات کاربردی رشد از آن استفاده می شود. در این مطالعه، مطابق با مطالعات کوک و یوچیدا (۲۰۰۳)، فیلیپویچ (۲۰۰۵) و ... و از همه مهمتر متغیرهای مؤثر در مدل رشد لوین و رنلت (۱۹۹۲)، الگوی رگرسیونی بصورت کلی زیر در نظر گرفته می شود:

$$GDPCAPITA=f(GDPCAPITA(-1), GOV, PRIVATE, SAVE, INF, OPEN) \quad (2)$$

که در آن: GDPCAPITA: رشد اقتصادی، که همان تولید ناخالص داخلی سرانه می باشد، GDPCAPITA(-1): مقدار باوقفه متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه، GOV: مخارج دولتی، که عبارتست از مخارج عمومی دولت به تولید ناخالص داخلی، PRIVATE: متغیر خصوصی سازی، که برابر است با عایدات سالانه ناشی از خصوصی سازی به تولید ناخالص داخلی، SAVE: نسبت پس انداز، که عبارتست از نسبت پس انداز ناخالص داخلی بعنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی، INF: که نرخ تورم بوده و OPEN: درجه باز بودن اقتصاد که عبارتست از مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی، می باشند.

در رابطه با اینکه علت وارد کردن وقفه ها چیست، می توان گفت، مقادیر با وقفه متغیرهای توضیحی یا متغیر وابسته به معنی این است که ساختار مدل به صورت پویا تبدیل شده است. یکی از دلایل مهمی که در این زمینه وجود دارد، کندی تعدیل متغیر وابسته است. اغلب اوقات تغییرات متغیر توضیحی اثر خود را بطور آنی بر متغیر وابسته نمی گذارد، بلکه اثرات آن نیاز به گذشت زمان دارد. به عنوان مثال تغییر در سیاست دولت ممکن است نیاز به گذشت چند ماه یا سال داشته باشد تا بتواند اثرات خود را بر متغیرهای اقتصادی بگذارد. همچنین در بازارهای مالی مانند بورس وقتی تغییری رخ می دهد و به صورت اطلاعات جدید دریافت می شود، افراد به طور آنی به آن واکنش نشان نمی دهند، بلکه بصورت تدریجی خود را با آن تطبیق می دهند. سرعت و مقدار واکنش آن ها همچنین بستگی به این دارد که آیا آن ها تغییرات را دائمی می دانند یا موقتی. همچنین تأخیر در واکنش ممکن است ناشی از عوامل نهادی و فنی باشد. به عنوان مثال وجود تکنولوژی پیشرفته می تواند به سرعت خرید و فروش سهام کمک نماید و از این رو واکنش ها را سریعتر می کند. [سوری، ۱۳۸۹، ص ۹۸]

۲-۴ روش تحلیل:

روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM):

بسیاری از روابط اقتصادی به طور طبیعی پویا هستند و یکی از مزایای داده‌های تابلویی در رگرسیون‌های بین‌کشوری این است که به محققین اجازه می‌دهد که پویایی‌های تعدیل را بهتر درک کنند. این روابط پویا با حضور متغیر وابسته وقفه‌دار در بین متغیرهای توضیحی مشخص می‌شوند^۱، یعنی:

$$Y_{i,t} = \alpha + \beta Y_{i,t-1} + \gamma X_{i,t} + \eta_i + \varepsilon_{i,t} \quad (۳)$$

Y متغیر وابسته، که در این مطالعه رشد اقتصادی می‌باشد، X مجموعه‌ای از متغیرهای توضیحی، η_i اثر ویژه فردی مستقل از زمان، ε جمله خطا و i و t نشان‌دهنده‌ی واحد مشاهده و زمان می‌باشند.

در تخمین معادله (۳) دو موضوع اقتصادسنجی مهم وجود دارد. اولی از معرفی متغیر وابسته وقفه‌دار و اثرات فردی مشاهده نشده مستقل از زمان در معادله است. شیانو^۲ (۱۹۸۶) نشان می‌دهد که حذف اثرات فردی ثابت در مدل داده‌های پانل پویا، تخمین‌های سطوح حداقل مربعات معمولی را با تورش و ناسازگار می‌کند. برای مثال، احتمالاً همبستگی مثبت بین متغیر وابسته وقفه‌دار $Y_{i,t}$ و اثرات ثابت حذف شده η_i می‌تواند ضرایب تخمین $\hat{\beta}$ را به سمت بالا تورش‌دار کند. از طرف دیگر، نیکل^۳ (۱۹۸۱) نشان می‌دهد که تخمین زنده‌های درون‌گروهی^۴ که یک تکنیک تخمین جایگزین برای در نظر گرفتن اثرات ثابت است، تخمین $\hat{\beta}$ که به سمت پایین تورش‌دار است را در پانل‌های کوتاه ارائه می‌کند. بنابراین انتظار می‌رود که تخمین سازگار و بدون تورش از $\hat{\beta}$ ، بین تخمین سطوح حداقل مربعات معمولی و تخمین درون‌گروهی قرار گیرد. موضوع دوم از درونزا بودن بالقوه متغیرهای توضیحی منتج می‌شود. با توجه به معادله (۳) متغیرهای سمت راست درونزا می‌باشند، بنابراین درونزا بودن متغیرهای توضیحی برای اجتناب از تورش بالقوه که به وسیله همزمانی تحلیل می‌شود، بایستی کنترل شود. برای حل این مسائل، ارلانو و بوند^۵ (۱۹۹۱) تخمین‌زنده روش گشتاورهای تعمیم‌یافته تفاضلی مرتبه اول را پیشنهاد کردند که شامل حذف اثرات ویژه فردی مستقل از زمان η_i با گرفتن تفاضل مرتبه اول از معادله (۳) است. با انجام این عمل رابطه زیر بدست خواهد آمد:

$$Y_{i,t} - Y_{i,t-1} = \beta(Y_{i,t-1} - Y_{i,t-2}) + \gamma(X_{i,t} - X_{i,t-1}) + (\varepsilon_{i,t} - \varepsilon_{i,t-1}) \quad (۴)$$

در این حالت $(Y_{i,t-1} - Y_{i,t-2})$ با $(\varepsilon_{i,t} - \varepsilon_{i,t-1})$ همبسته هستند.

۱- در این الگوها متغیرهای با وقفه هم وارد شده و بیانگر تأثیرگذاری عامل زمان و نیز پویایی تحلیل می‌باشد.

2- Hsiao

3- Nickell

4- Within groups Estimators

5- Arellano and Bond

تخمین حداقل مربعات معمولی معادله (۴)، تخمین سازگار و بدون تورشی از β را بدست نمی دهد. از این رو باید ابزار معتبری را برای $(Y_{i,t-1} - Y_{i,t-2})$ پیدا کرد.

با فرض اینکه (الف) جملات خطا به صورت سریالی همبسته نیستند:

$$E[\varepsilon_{i,t} \varepsilon_{i,s}] = 0 \quad \text{for } i=1, \dots, N \quad \text{and } s \neq t \quad (5)$$

و (ب) حالات اولیه $Y_{i,t}$ از قبل تعیین شده هستند:

$$E[Y_{i,t} \varepsilon_{i,t}] = 0 \quad \text{for } i=1, \dots, N \quad \text{and } t \geq 2 \quad (6)$$

ارلانو و بوند (۱۹۹۱) محدودیت های گشتاوری زیر را بیان می کنند:

$$E[Y_{i,s} (\varepsilon_{i,t} - \varepsilon_{i,t-1})] = 0 \quad \text{for } i=3, \dots, T \quad \text{and } s \geq 2 \quad (7)$$

از آنجا که مقادیر دو دوره و یا بیشتر وقفه دار $Y_{i,t}$ با $(Y_{i,t-1} - Y_{i,t-2})$ و نه با $(\varepsilon_{i,t} - \varepsilon_{i,t-1})$ همبسته هستند، می توان آن ها را به عنوان ابزارهای معتبری برای معادله در نظر گرفت. با توجه به متغیرهای توضیحی، $X_{i,t}$ سه حالت ممکن وجود دارد:

(الف) اگر متغیرهای توضیحی $X_{i,t}$ اکیداً پرونزا باشند (یعنی فرض شود متغیرهای توضیحی با همه مقادیر گذشته، حال و آینده جملات خطا ناهمبسته باشند)، از این رو همه مقادیر گذشته، حال و آینده $X_{i,t}$ ابزارهای معتبری برای معادله (۴) هستند.

(ب) اگر متغیرهای توضیحی $X_{i,t}$ از پیش تعیین شده باشند (یعنی فرض شود متغیرهای توضیحی با مقادیر گذشته و نه با مقادیر حال و آینده جملات خطا همبسته هستند)، از این رو مقادیر یک و یا بیشتر وقفه دار $X_{i,t}$ ابزارهای معتبری برای معادله (۴) هستند.

(ج) اگر متغیرهای توضیحی $X_{i,t}$ درونزا باشند (یعنی فرض شود مقادیر متغیرهای توضیحی با مقادیر گذشته و حال و نه آینده جملات خطا همبسته هستند)، از این رو مقادیر دو و یا بیشتر وقفه دار $X_{i,t}$ ابزارهای معتبری برای معادله (۴) هستند. سازگاری تخمین زننده GMM به معنای بودن فرض عدم همبستگی سریالی جملات خطا و ابزارها بستگی دارد که می تواند به وسیله آزمون تصریح شده توسط ارلانو و بوور (۱۹۹۵) و بلوندل و بوند (۱۹۹۸) آزمون شود. این آزمون، که آزمون سارگان^۱ است و از توزیع کای دو با درجات آزادی برابر با تعداد محدودیت های بیش از حد مشخص برخوردار است، معتبر بودن ابزارها را آزمون می کند. فرضیه صفر در این آزمون حاکی از معتبر بودن ابزارها می باشد. از سویی دیگر آزمون والد^۲ که از توزیع کای دو با درجات آزادی معادل تعداد متغیرهای توضیحی مهنای جزء ثابت برخوردار است، در ارتباط با سنجش اعتبار ضرایب برآوردی می باشد. [بالتاجی، ۲۰۰۵]

1- Sargan Test

2- Wald Test

۳- نتایج:

۳-۱ آزمون ایستایی متغیرها:

فرم کلی مدل مورد استفاده در این مطالعه بصورت لگاریتمی و معادله کلی ۸ در نظر گرفته می‌شود. مزیت گرفتن لگاریتم از متغیرها این است که علاوه بر انجام بهتر برآورد مدل، می‌توان نتایج حاصل را بصورت کشش تعبیر و تفسیر نمود. به گونه‌ای که ضرایب متغیرها نشان‌دهنده کشش آن متغیر نسبت به متغیر وابسته و یا رشد اقتصادی می‌باشند.

$$\text{LOG(GDPCAPITA)} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{LOG(GDPCAPITA(-1))} + \alpha_2 \text{LOG(GOV)} + \alpha_3 \text{LOG(PRIVATE)} + \alpha_4 \text{LOG(SAVE)} + \alpha_5 \text{LOG(INF)} + \alpha_6 \text{LOG(OPEN)} + U_t \quad (8)$$

اولین اقدام در برآورد الگوی مورد نظر، بررسی ایستایی متغیرهاست. نتایج حاصل از آزمون ایستایی متغیرها براساس آزمون لوین-لین و چاو در جدول ۱ مشاهده می‌شود. با توجه به نتایج ارائه شده در جدول ۱ و براساس آزمون لوین-لین و چاو، نبود ریشه واحد در متغیرهای اشاره شده پذیرفته می‌شود. به بیان دیگر آزمون مورد نظر نشان می‌دهد که تمام متغیرهای مورد نظر مانا و در سطح ایستا هستند.

جدول ۱: نتایج حاصل از بررسی ایستایی متغیرها با استفاده از آزمون لوین-لین و چاو

متغیر	آماره	احتمال
LOG(GDPCAPITA)	-۶,۰۲۴۶۵	۰,۰۰۰۰
LOG(GOV)	-۶,۴۱۱۳۰	۰,۰۰۰۰
LOG(PRIVATE)	-۱۱,۳۰۱۵	۰,۰۰۰۰
LOG(SAVE)	-۲۳,۱۳۳۳	۰,۰۰۰۰
LOG(INF)	-۲۵,۲۴۵۶	۰,۰۰۰۰
LOG(OPEN)	-۲۶,۵۸۹۳	۰,۰۰۰۰

منبع: یافته‌های محقق

۳-۲ برآورد الگو:

بمنظور دقت بیشتر در فرایند برآورد الگو، تخمین و برآورد مدل را با تکیه بر مدل‌های پانل ایستا و استفاده از تخمین‌زن‌های اثرات ثابت و تصادفی شروع می‌کنیم. بمنظور تخمین معادله‌ی فوق ابتدا لازم است تا نوع روش تخمین جهت نوع خاص داده‌های ترکیبی (پانل) یا مقطعی تعیین شود. بنابراین ابتدا برای تعیین وجود (یا عدم وجود) عرض از مبدأ جداگانه برای هر یک از کشورها از آماره‌ی F استفاده شد. با توجه به اینکه میزان آماره F محاسبه شده برابر با ۹۹,۸۶ بدست آمده و از آماره F جدول بزرگتر بود، لذا با سطح اطمینان بالای ۹۹ درصد، فرضیه‌ی صفر آزمون مبنی بر استفاده از روش حداقل مربعات

معمولی رد می شود و در نتیجه رگرسیون مقید (روش حداقل مربعات معمولی) دارای اعتبار نمی باشد و باید عرض از مبدأهای مختلفی (روش اثرات ثابت یا اثرات تصادفی) را در مدل لحاظ نمود و در نتیجه از روش داده های پانل یا تابلویی استفاده نمود.

سپس برای آزمون اینکه مدل با بهره گیری از روش اثرات ثابت یا اثرات تصادفی برآورد گردد، از آزمون هاسمن^۱ استفاده شد. آماره ی کای-دو بدست آمده از انجام محاسبات برای این رگرسیون برابر با ۷۸٫۲۴ بوده و چون از مقدار آماره کای-دو جدول بزرگتر است، فرضیه صفر مبنی بر استفاده از روش اثرات تصادفی با احتمال بیش از ۹۹ درصد رد می شود. با توجه به اینکه هدف اصلی این مطالعه بررسی تأثیر گذاری خصوصی سازی بر رشد اقتصادی کشورهای عضو گروه جی-هشت با استفاده از روش پانل پویای گشتاورهای تعمیم یافته می باشد، از آوردن نتایج حاصل از آزمون های اثرات ثابت، تصادفی و آزمون هاسمن و تفسیر مفصل این نتایج اجتناب شده و تنها به گزارش اجمالی این نتایج در جدول ۲ اکتفا می شود:

جدول ۲: نتایج حاصل از آزمون های هاسمن و F

آزمون	مقدار	احتمال	نتیجه
آزمون F	۹۹٫۸۶	۰٫۰۰۰۰	با سطح اطمینان بالای ۹۹ درصد، فرضیه صفر آزمون مبنی بر استفاده از روش حداقل مربعات معمولی رد می شود و در نتیجه رگرسیون مقید (روش حداقل مربعات معمولی) دارای اعتبار نمی باشد و باید عرض از مبدأهای مختلفی (روش اثرات ثابت یا اثرات تصادفی) را در مدل لحاظ نمود و مدل را بایستی با استفاده از روش های پانل برآورد نمود.
آزمون هاسمن	۷۸٫۲۴	۰٫۰۰۰۰	فرضیه صفر مبنی بر استفاده از روش اثرات تصادفی با احتمال بیش از ۹۹ درصد رد می شود. لذا روش اثر ثابت برای تخمین مدل تأیید شده و می تواند مورد استفاده قرار گیرد.

منبع: یافته های تحقیق

علاوه بر برآورد مدل با استفاده از تخمین زن های اثرات ثابت و تصادفی و استفاده از متغیرهای مطرح شده در بخش قبل برای کشورهای عضو گروه جی-هشت، مدل تجربی در این تحقیق با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته و با تکیه بر مدل های پانل پویا نیز تخمین زده شد، که بصورت کلی معادله (۸) تصریح می گردد:

$$\text{LOG}(\text{GDPCAPITA}) = \alpha_0 + \alpha_1 \text{LOG}(\text{GDPCAPITA}(-1)) + \alpha_2 \text{LOG}(\text{GOV}) + \alpha_3 \text{LOG}(\text{PRIVATE}) + \alpha_4 \text{LOG}(\text{SAVE}) + \alpha_5 \text{LOG}(\text{INF}) + \alpha_6 \text{LOG}(\text{OPEN}) + U_i \quad (8)$$

نتایج حاصل از برآورد مدل مورد نظر با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته بصورت ارائه شده در جدول ۳ می‌باشد:

جدول ۳: نتایج حاصل از برآورد مدل به روش گشتاورهای تعمیم یافته

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره Z	احتمال
Cons	۰,۴۱۶۴۳۰۶	۰,۲۳۷۳۶۸۶	۱,۷۵	۰,۰۷۹
LOG(GDPCAPITA(-1))	۰,۴۹۷۰۲۷۲	۰,۲۲۷۵۳۱۳	۲,۱۸	۰,۰۲۹
LOG(GOV)	-۰,۸۵۸۴۶۸	۰,۳۸۳۳۴۷۲	-۲,۲۴	۰,۰۲۵
LOG(PRIVATE)	۰,۲۳۱۷۴۵۱	۰,۱۱۰۰۱۰۳	۲,۱۱	۰,۰۳۵
LOG(SAVE)	۰,۰۸۰۵۵۷۵	۰,۲۲۱۷۴	۳,۶۳	۰,۰۰۰
LOG(INF)	-۰,۰۴۵۷۰۴۶	۰,۲۳۶۲۳۱	-۱,۹۳	۰,۰۵۳
LOG(OPEN)	۰,۰۹۳۷۵۵۴	۰,۲۸۰۸۱۸	۳,۳۴	۰,۰۰۱
Prob>chi2 = 0.1469 Chi2(7)=14.18122 Wald chi2(6) = 2213.11 Prob>chi2 = 0.0000				estat Sargan:

منبع: یافته‌های محقق

براساس نتایج آزمون والد که از توزیع کای دو با درجات آزادی معادل تعداد متغیرهای توضیحی منهای جزء ثابت برخوردار است، فرضیه صفر، مبنی بر صفر بودن تمام ضرایب در سطح معنی داری ۱ درصد رد می‌شود. در نتیجه اعتبار ضرایب برآوردی تأیید می‌شود.

آماره‌ی آزمون سارگان نیز که از توزیع کای دو با درجات آزادی برابر با تعداد محدودیت‌های بیش از حد مشخص برخوردار است، برابر است با ۱۴,۱۸۱۲۲. همچنین با توجه به میزان احتمال این آماره (۰,۱۴۶۹)، می‌توان به این نتیجه دست یافت که متغیرهای ابزاری مورد استفاده در مدل (که این متغیرهای ابزاری مقدار با وقفه متغیرهای مستقل می‌باشند)، به نحو مناسبی انتخاب شده‌اند و فرضیه صفر که حاکی از قابل اعتبار بودن متغیرهای ابزاری در این برآورد می‌باشد، مورد تأیید قرار می‌گیرد. در ادامه به منظور تعیین مرتبه‌ی خودهمبستگی جملات اخلال از آماره آزمون آرانو و باند استفاده شده است که نتایج در جدول ۴ آمده است:

جدول ۴: نتایج آزمون آرانو و باند برای تعیین مرتبه خودهمبستگی جملات اخلال

مرتبه خودهمبستگی	مقدار آماره آزمون Z	احتمال
۱	۱/۱۷۳۱	۰/۲۸۴۶
۲	۰/۴۹۶۳۴	۰/۷۰۴۸

منبع: یافته‌های محقق

بر اساس نتایج جدول ۴ ملاحظه می شود که فرضیه صفر مبنی بر نبود خودهمبستگی در جملات اخلاص تفاضل گیری شده رد نشده و بنابراین روش آرلانو و باند روشی مناسب برای برآورد پارامترهای مدل و حذف اثرات ثابت است. به بیان دیگر، با یک مرتبه‌ی تفاضل گیری از جملات اخلاص، همبستگی سریالی بین جملات اخلاص رد شده و جملات اخلاص تفاضل گیری شده دارای خودهمبستگی مرتبه‌ی اول و دوم نیستند.

۳-۳ تجزیه و تحلیل نتایج:

نتایج حاصل از برآورد مدل نشان می دهد تمامی متغیرهای مدل مورد برآورد، دارای اثر معنی داری بر متغیر رشد اقتصادی می باشند. متغیرهای خصوصی سازی، نسبت پس انداز، درجه باز بودن و مقدار باوقفه متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه، دارای اثری مثبت و معنی دار بر رشد اقتصادی، و متغیرهای نرخ تورم و مخارج دولت دارای اثری منفی و معنی دار بر متغیر رشد اقتصادی می باشند.

در رابطه با اثر منفی متغیر مخارج دولت بر رشد اقتصادی می توان گفت بازای هر یک درصد افزایش در مخارج دولت، رشد اقتصادی در کشورهای عضو گروه جی-هشت به میزان ۰,۸۵۸ درصد دچار کاهش می گردد. در ارتباط با این اثر گذاری منفی، اکثر پژوهش های انجام شده در این زمینه سه عامل مهم را در نظر می گیرند. عامل اول، رشد مالیات و استقراض دولت برای تأمین مخارج خود است که به انتقال منابع بخش خصوصی به دولت و در نهایت کاهش سرمایه گذاری بخش خصوصی و رشد اقتصادی منجر می شود. عامل دوم به اثر افزایش سهم بخش دولتی در اقتصاد و بازدهی نزولی ناشی از هزینه های دولت باز می گردد. عامل سوم به این مسأله باز می گردد که سازوکار سیاسی انجام امور توسط دولت دارای پویایی کمتری در مقایسه با فرایند بازار است و از این رو افزایش اندازه دولت می تواند اثر منفی بر رشد اقتصادی داشته باشد.

در رابطه با اثر گذاری متغیر خصوصی سازی بر رشد اقتصادی، نتایج مطالعه نشان می دهد که با افزایش هر یک درصد در میزان خصوصی سازی در کشورهای گروه جی-هشت، رشد اقتصادی به میزان ۰,۲۳۱ درصد افزایش یافته، که حاکی از اثر مثبت خصوصی سازی بر رشد اقتصادی کشورهای این گروه و تأیید فرضیه اساسی این پژوهش، که مبنی بر تأثیر گذاری مثبت خصوصی سازی بر رشد اقتصادی در طول دوره مورد مطالعه بود، می باشد. بنا بر مبنای نظری ارائه شده در این مطالعه، این افزایش در خصوصی سازی از مجاری متعددی می تواند باعث اثر گذاری مثبت بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه گردد، که پیش تر، توضیح مفصل این مجاری اثر گذاری ارائه گردیده است.

از سویی دیگر، اکثر تئوری‌های اقتصادی رابطه‌ی مثبتی را بین متغیر درجه باز بودن اقتصاد و رشد اقتصادی بیان نموده‌اند. همانطور که انتظار می‌رود، این متغیر در کشورهای مورد مطالعه این تحقیق، دارای اثرگذاری مثبت بر شاخص رشد اقتصادی است. ارزش مقداری این ضریب نشان می‌دهد که وقتی این شاخص یک درصد مثلاً ارتقا می‌یابد، رشد اقتصادی بطور متوسط تقریباً به اندازه‌ی ۰,۰۹۳۷ درصد در جهت مثبت تغییر می‌کند. این تأثیر مثبت متغیر درجه باز بودن تجاری نشان می‌دهد که می‌توان با اجرای سیاست‌هایی از جمله کاهش تعرفه‌ها و توسعه صادرات از طرفی اتخاذ سیاست‌هایی همگام با سیاست آزادی تجاری بخش‌های مختلف اقتصادی را تقویت نموده و به رشد بالایی در بخش‌های صنعت، کشاورزی و خدمات که لازمه رشد اقتصادی همه‌جانبه است، دست یافت [کرباسی و پیری، ۱۳۸۸، صص ۱۶۰-۱۴۵].

همچنین در رابطه با متغیر نرخ تورم، نتایج برآورد مدل نشان می‌دهد مطابق انتظار با افزایش یک درصد در این متغیر، رشد اقتصادی با کاهشی معادل با ۰,۰۴۵۷ درصد مواجه خواهد شد، که ناشی از تأثیر منفی این متغیر بر رشد اقتصادی می‌باشد. این نتیجه بدین صورت قابل توجیه خواهد بود که نرخ تورم بالا و با نوسان زیاد موجب افزایش هزینه‌های مبادله و کاهش سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی می‌گردد. عبارتی تورم از جمله پدیده‌های مضر اقتصادی بوده و هزینه‌های زیادی را بر جامعه تحمیل می‌کند. از آثار مخرب تورم می‌توان به توزیع مجدد درآمد به نفع صاحبان دارایی و به زیان مزد و حقوق بگیران، افزایش ناطمینانی و بی‌ثباتی در اقتصاد کلان و در نتیجه کوتاه‌تر شدن افق زمانی تصمیم‌گیری و کاهش سرمایه‌گذاری بلندمدت اشاره کرد [پیرایی و دادور، ۱۳۹۰، صص ۸۰-۶۷].

اما در رابطه با متغیر نسبت پس‌انداز که با نسبت پس‌انداز ناخالص داخلی به تولید ناخالص داخلی اندازه گرفته می‌شود، نتایج حاصل از برآورد مدل نشان می‌دهد مطابق انتظار، این متغیر دارای اثرگذاری مثبتی بر رشد اقتصادی بوده، به گونه‌ای که با افزایش یک درصد در نسبت پس‌انداز، رشد اقتصادی به میزان ۰,۰۸۰۵ درصد افزایش می‌یابد.

همچنین نتایج نشان می‌دهد که سطح درآمد سرانه با یک وقفه، به عنوان یک متغیر مستقل، دارای معنی‌داری بالایی در مدل پویای برآوردی است و دارای اثر مثبتی بر متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه و یا همان رشد اقتصادی می‌باشد.

۴- نتیجه گیری و پیشنهادات:

پایان دادن به بحث مالکیت دولتی در برابر خصوصی به نفع مالکیت خصوصی، تأثیرات سیاسی و اقتصادی چشمگیری داشته است، زیرا یکی از مبانی کلیدی توجیه نظری برنامه‌های خصوصی سازی را در سراسر جهان فراهم آورده است. دومین توجیه عمده برای واگذاری مالکیت دولتی در بخش‌های اقتصادی، دلیل مالی است. خصوصی سازی نه تنها تعهد دولت برای پرداخت یارانه به بنگاه‌های دولتی متضرر را از بین می‌برد، بلکه دولت‌ها از محل فروش آن‌ها در خلال ربع قرن گذشته، ۱/۲۵ هزار میلیارد دلار درآمد کسب کرده‌اند. اگرچه بسیاری از دولت‌ها از این درآمد با آورده به صورتی اصولی (برای توقف اخذ وام یا کاهش بدهی‌های موجود) استفاده کردند، اما کشورهایی نیز هستند که این درآمدها را واقعاً حیف و میل کرده‌اند.

سرانجام آنکه تجربه نشان می‌دهد علاوه بر اینکه جایگزینی برای خصوصی سازی به عنوان ابزار بهبود عملکرد بنگاه‌های دولتی وجود ندارد، همچنین نتایج این مطالعه برای کشورهای عضو گروه جی-هشت نشان می‌دهد که انجام صحیح این فرایند به بهبود رشد اقتصادی نیز می‌انجامد.

پیشنهادات:

۱- با توجه به این نکته اساسی که برای مؤثر واقع شدن رقابت، تغییر مالکیت ضروری است، و اینکه حتی رقابت از تغییر مالکیت نیز مهمتر قلمداد می‌گردد، پیشنهاد می‌گردد در کنار واگذاری مالکیت، ایجاد شرایط رقابتی بین شرکت‌های خصوصی سازی شده برای افزایش کارایی آن‌ها در کشورهای عضو گروه جی-هشت اعمال گردد.

۲- با توجه به لزوم مهیا بودن زمینه‌های سیاسی، نهادی و اقتصادی مناسب در کشورهایی که قصد انجام خصوصی سازی در مقیاس‌های بزرگ را دارند پیشنهاد می‌گردد سیاست خصوصی سازی در این کشورها توأم با سیاست‌های آزاد سازی در تجارت و سیاست‌های مالی دیگر برای تشویق سرمایه‌گذاران خارجی، به‌مراه اصلاح نظام مقرراتی و بروکراسی کشور صورت پذیرد.

۳- از پیشنهادات دیگر در زمینه‌ی دستیابی به نتایج مثبت خصوصی سازی لزوم توجه و اهمیت قائل شدن به مسئله‌ی تعدیل تأثیرات اجتماعی خصوصی سازی می‌باشد که امید است این امر با اصلاح محیط سرمایه‌گذاری، از جمله اصلاح قوانین بازار کار، همچون ایجاد توافقات راضی‌کننده‌ی کارگران و سعی در دادن انگیزه به آن‌ها، بتواند زمینه‌های رشد و توسعه و تولید کار در بخش خصوصی را فراهم و در پی آن رشد اقتصادی را برای کشورهای این گروه به ارمغان آورد.

۴- با توجه به اهمیت موضوع و نیز با مدنظر قرار دادن مطالعاتی که در گذشته در زمینه خصوصی‌سازی صورت گرفته‌اند، پیشنهاد می‌شود به نظارت پس از خصوصی‌سازی بر عملکرد و فعالیت شرکت‌ها و مؤسساتی که به بخش خصوصی واگذار می‌شوند، در کشورهای عضو گروه جی-هشت توجه ویژه‌ای صورت پذیرد.

۵- نیز پیشنهاد می‌گردد در اجرای فرایند خصوصی‌سازی، به تداوم و سازگاری سیاست خصوصی‌سازی که برای جذب بیشتر سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و در نتیجه دستیابی به رشد اقتصادی بیشتر پیشنهاد می‌گردد، حداکثر توجه و اهمیت، برای کشورهای عضو این گروه لحاظ گردد.

فهرست منابع:

پیرایی، خسرو و بهاره دادور، ۱۳۹۰، تأثیر تورم بر رشد اقتصادی در ایران با تأکید بر نااطمینانی، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی، سال یازدهم، شماره اول، صص ۸۰-۶۷

رزمی، سید محمد جواد، سارا شهرکی و محمدرضا کلایی، ۱۳۹۰، بررسی رابطه بین تجارت بین‌الملل و رشد اقتصادی با استفاده از شاخص حکمرانی خوب، فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی، شماره ۵۹، صص ۱۶۲-۱۳۷

رضایی‌دولت‌آبادی، حسین، سعید صمدی و حسام ناجی‌زواره، ۱۳۹۰، تحلیل تأثیر خصوصی‌سازی بر توسعه بازار سهام در ایران، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال سوم، شماره اول، صص ۱۱۲-۹۷

رضوی، سید محمد حسین، ۱۳۸۳، افزایش کارایی با سیاست خصوصی‌سازی در ورزش، مجله حرکت، شماره ۲۳، صص ۲۲-۵

زرین قلم، غلامحسین، ۱۳۸۴، ارزیابی پیامدهای کلان اقتصادی برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان
سوری، علی، ۱۳۸۹، اقتصادسنجی همراه با کاربرد نرم افزار ایویوز ۷، نشر فرهنگ‌شناسی، چاپ اول، تهران

کرباسی، علیرضا و مهدی پیری، ۱۳۸۸، بررسی رابطه میان آزادی تجاری و رشد اقتصادی در ایران (یک تحلیل همجمعی)، مجله‌ی دانش و توسعه، سال شانزدهم، شماره ۲۷، صص ۱۶۰-۱۴۵
مشیری، سعید، ۱۳۸۹، خصوصی‌سازی و رشد اقتصادی یک مطالعه بین‌کشوری، مجله‌ی تحقیقات اقتصادی، سال یازدهم، شماره ۹۰، صص ۱۵۸-۱۴۱

-
- Abdoua, A. and Saeed Moshiri, 2009, "Privatization and capital formation in developing countries: an empirical analysis", *International Review of Applied Economics*, Vol.23, No.5, pp.557-575.
- Adams, S. 2006, "The impact of Privatization on Economic Growth and Income Inequality in Sub-Saharan Africa", *The Journal of Social, Political, and Economic Studies*, Vol.31, pp.295-320.
- Baltagi, badi H, 2005, "Econometric Analysis of Panel Data", Third Edition, John Wiley & Sons, Ltd
- Boubakri, N, Houcem Smaoui and Myriam Zammiti. 2009, "Privatization Dynamic and Economic Growth", *Journal of Business & Policy Research*, Vol.4, No.2, pp.16-44
- Filipovic, A. 2005, "Impact of Privatization on Economic Growth", *Issues in Political Economy*, Vol.14, August.
- Levine, R. and D. Renelt, 1992. "A Sensitivity Analysis of Cross-Country Growth Regressions", *American Economic Review*, Vol.82, pp.942-963
- Madani, Y and Jonmamadov Shermamad Bekmamadovich, 2012, "An Investigation of Economic Effects of Privatization in Iran", *Journal of Basic and Applied Scientific Research*, J. Basic. Appl. Sci. Res., 2(4)3660-3663, 2012, © 2012, TextRoad Publication
- Selvam, J. and A Meenakshisundara Rajan, 2008, "Privatization and Economic Growth in the Least Developed Economies: Empirical Evidences from Ethiopia", IUP Publications, *The IUP Journal of Applied Economics*